

«ارزیابی فرهنگ‌ها»

- مردم یک جامعه اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند. مانند: آزادی، عدالت، امنیت و...
- وقتی مردم براساس آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند.
- مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند عمل نمی‌کنند و گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش‌ها و نیازهایی است که از آنها طرفداری می‌کنند.
- **فرهنگ آرمانی**: ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند فرهنگ آرمانی نامیده می‌شود.
- آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند «**فرهنگ واقعی**» نام دارد.
- مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی براساس **عمل مردم** تعیین می‌کند.
- هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند.
- اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم است، عمل نکنند فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی ماصه می‌گردد.
- برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند که از طریق **تعلیم و تربیت** زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به تلم و فرهنگ واقعی را فراهم کنند.
- سخن گفتن یک کنش است ولی برخی، سخنانشان را جزو اعمالشان به حساب نمی‌آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند.
- اگر مردم مطابق **آرمان‌های** خود عمل کنند، ماصه میان فرهنگ واقعی و آرمان جامعه خود را کاهش می‌دهند.
- **فرهنگ حق**: بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق **فطرت** انسان باشد، فرهنگ حق است. مانند عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و...
- **فرهنگ باطل**: بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس **فراغات** شکل گرفته باشد فرهنگ باطل است. مانند شرک، ظلم، بی‌عدالتی، دنیا پرستی و...
- حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود.
- حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت.

« ارزشیابی فرهنگ ها »

- عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند. و علومی که از این دو ابزار بهره می گیرند، می توانند در باره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند.

- انسان امور محسوس مانند پدیده های طبیعی را از راه مشاهده و حس می شناسد، اما امور غیر طبیعی، محسوس نیستند و نمی توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد، از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می برد.

فوائد علوم طبیعی: شناخت طبیعت و قوانین آن، پیش بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلاط بر طبیعت.

فوائد علوم انسانی و اجتماعی: شناخت و فهم معانی کنش های آدمیان و پیامدهای آن، شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش های او تأثیر دارند. شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری در باره کنش های خوب و بد انسان ها، انتقاد از کنش های ناپسند و ظالمانه انسان ها.

- حق یا باطل بودن عقاید، ارزش ها، هنجارها و کنش ها بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود.

سوالات مهم: چگونه جوامع مختلف حقیقت را به فرهنگ آرمانی و واقعی خود وارد می کنند؟ جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن بر اساس این عقاید و ارزش ها، آنها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند.

۲- حقایق ثابت هستند یا تغییر پذیر؟ توضیح دهید. حقایق ثابت هستند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند. یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. نکته: جوامعی می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار تغییر نمی کنند.

۳- قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی از راه استدلال عقلی شناخته می شوند.

۴- هر زمانی فاصله فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی جامعه کاهش می یابد؟

۵- نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش های انبزاری، از فوائد علوم انسانی و اجتماعی است. (ص - غ)

۶- نقش برنامه ریزان فرهنگی در جامعه چیست؟

۷- تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند. (ص - غ)